

## توانمندی موشکی در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا (۲۰۱۸-۲۰۰۱)

سیدجلال دهقانی فیروزآبادی<sup>۱</sup>

مجتبی عزیزی بساطی<sup>۲</sup>

تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۲۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۲۶

### چکیده

محیط امنیتی پرتلاطم غرب آسیا دارای خصوصیت‌هایی است که سبب می‌شود موشک‌های بالستیک با کارایی و اثربخشی جمعی بتوانند به عنوان یک موازنه‌گر (Equalizer) کلیدی در برابر مزیت‌های کمی و کیفی و برتری‌های نظامی دیگر کشورها در نظر گرفته شوند؛ به همین دلیل جمهوری اسلامی ایران در پرتو تجارب جنگ با رژیم بعث عراق و با توجه به تحریم‌های بین‌المللی در زمینه خرید و تجهیز تسلیحات مدرن نظامی به اتخاذ رویکرد خوداتکالی دفاعی در برابر تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای - با تمرکز بر تقویت توانمندی بومی موشک بالستیک روی آورده است. پرسش اصلی مقاله این است که موشک چه جایگاهی در سیاست دفاعی ج.ا. ایران در منطقه غرب آسیا دارد؟ مبنای پاسخ به این سؤال نظریه نواقع‌گرایی است و در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که ج.ا. ایران به دلیل ویژگی‌ها و امتیازات منحصر به فرد موشک و موانع و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی به منظور حفظ موازنه قدرت و جلوگیری از شکل‌گیری هژمون منطقه‌ای، به تقویت توانمندی بومی موشک‌های بالستیک (شامل کوتاه‌برد، میان‌برد و دوربرد) پرداخته است. موشک بالستیک در نقش ستون فقرات سیاست دفاعی ج.ا. ایران، مهم‌ترین ابزار این کشور برای ایجاد موازنه قدرت منطقه‌ای است؛ این پژوهش از نوع کیفی و بر اساس روش توصیفی-تحلیلی و مصاحبه عمیق با نوزده نفر از نخبگان بوده و همچنین شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است.

### کلید واژه‌ها

توانمندی موشکی، سیاست دفاعی، غرب آسیا، موازنه قدرت و نواقع‌گرایی.

1. نویسنده مسئول: استاد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی  
jdeghani20@yahoo.com

2. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی  
azizi.mojtaba154@gmail.com

## مقدمه

غرب آسیا به عنوان یکی از حوزه‌های راهبردی، به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و دارا بودن ذخایر انرژی و منابع اقتصادی و حوزه‌های تمدنی و ایدئولوژیکی، محل تلاقی منافع و منازعه میان قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی است و هر یک از بازیگران ذی‌نفع و تأثیرگذار تلاش می‌کند تا محیط و قواعد بازی را به گونه‌ای مدیریت کند که حداکثر منافع خود را در منطقه تضمین نماید؛ به همین دلیل این منطقه همواره عرصه شکل‌گیری موازنه‌سازی‌ها بوده و شکل‌گیری اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نتیجه این موازنه‌سازی است.

این التهاب دائمی فضای امنیتی، دولت‌های منطقه را ناگزیر از توسعه گسترده توان نظامی و تدارک تسلیحات متعارف و غیرمتعارف در ابعاد وسیع نموده است؛ در این میان به دلیل برتری توان نظامی رژیم صهیونیستی و آمریکا، به‌ویژه در عرصه نیروی هوایی، تسلیحات موشکی به دلایل بسیار مورد توجه خاص قرار گرفته است؛ این مسئله در مورد کشوری مانند ایران که از نظر دسترسی به فناوری‌های پیشرفته نظامی و بازار تسلیحات با محدودیت‌های بسیاری روبه‌رو است و در عین حال از سوی دشمنی به مراتب پرتوان‌تر تهدید می‌شوند، یک اولویت راهبردی تلقی می‌شود؛ زیرا در شرایط موجود، موشک‌ها به دلیل برخورداری از دو مزیت نظامی عمده یعنی توانمندی عملیاتی (برد، سرعت، قدرت تخریب، بقاپذیری و فقدان دفاع کارآمد) و ویژگی‌های منحصر به فرد (انعطاف‌پذیری و هزینه اندک) نسبت به سایر تسلیحات نظامی واجد امتیازاتی هستند که به سبب آن‌ها کشور دارنده می‌تواند با صرف هزینه کمتر و در زمانی کوتاه‌تر به قابلیت موازنه‌سازی دست یابد (قوام ملکی، ۱۳۹۰: ۹۸).

اهمیت اتخاذ این راهبرد قابلیت‌های مرتبط با تمامی حوزه‌های موشکی است که فراتر از مباحث نظامی در ابعاد دیگری از ایجاد و تولید قدرت نقش بازی می‌کند. تولید و استفاده از انواع موشک‌ها با اهداف نظامی - دفاعی امروزه به سطح علمی - کاربردی (صلح‌آمیز) به عنوان فناوری بومی ارتقاء یافته که در دو حوزه مذکور نوعی بازدارندگی مؤثر امنیتی ایجاد خواهد نمود که به واسطه آن جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از یک طرف فعالیت‌های صلح‌آمیز و علمی مؤثر برای رفع نیازهای خود انجام دهد و از طرفی تقویت همه‌جانبه بازدارندگی و تأمین امنیت از طریق توانمندی‌های مرتبط با موشک که صرف نظر از تقویت دفاعی در جنگ‌های

آینده، استفاده از فضا با استقرار سامانه‌های فضایی توسط موشک‌های ساخته شده بومی می‌تواند به اهداف استراتژیک و دفاعی - نظامی مطلوب خود، به‌ویژه موازنه قدرت در سطح منطقه غرب آسیا دست یابد (خواجه پور، ۱۳۹۵: ۷).

### کلیات

#### سؤال اصلی و فرضیه پژوهش

پرسش اصلی مقاله این است که موشک چه جایگاهی در سیاست دفاعی ج.ا. ایران در منطقه غرب آسیا دارد؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود: ج.ا. ایران به دلیل ویژگی‌ها و امتیازات منحصربه‌فرد موشک و موانع و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی به منظور حفظ موازنه قدرت و جلوگیری از شکل‌گیری هژمون منطقه‌ای، به تقویت توانمندی بومی موشک‌های بالستیک (شامل کوتاه‌برد، میان‌برد و دوربرد) پرداخته است. موشک بالستیک در نقش ستون فقرات سیاست دفاعی ج.ا. ایران، مهم‌ترین ابزار این کشور برای ایجاد موازنه قدرت منطقه‌ای است.

#### روش‌شناسی پژوهش

روش انجام هر تحقیق بر اساس ماهیت موضوع آن تعیین می‌شود؛ بنابراین با توجه به ماهیت و نوع موضوع مورد مطالعه روش پژوهش در این نوشتار کیفی-تفسیری است که با عنوان روش کیفی نیز شناخته می‌شود. این پژوهش بر اساس روش توصیفی-تحلیلی و مصاحبه عمیق بوده و شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است؛ بنابراین منابع اطلاعاتی این پژوهش از طریق کتاب‌ها، مقالات و منابع اینترنتی است؛ در این راستا با نوزده نفر از نخبگان حوزه راهبردی امنیتی مصاحبه به مدت ۳۰ دقیقه و مجموعاً ۹ ساعت ۳۰ دقیقه صورت پذیرفته است که اطلاعات تکمیلی آن به شرح جدول زیر است:

جدول شماره ۱: اطلاعات مصاحبه‌شوندگان در پژوهش

مقطع / رشته	روابط بین‌الملل	حقوق بین‌الملل	سایر رشته‌ها. نخبگان دارای تخصص
کارشناسی	-	-	۳
کارشناسی ارشد	۵	۲	۳
دکتری	۴	۲	-
جمع	۹	۴	۶

در این پژوهش تلاش بر آن است که با پذیرش اصول روش کیفی تأثیرات توانمندی موشکی جمهوری اسلامی ایران بر موازنه قدرت در غرب آسیا را توضیح داده و سپس تبیین کنیم. راهبرد پژوهشی ما در این نوشتار استفاده از نظریه موازنه قدرت در زمینه توانمندی موشکی خواهد بود. (راهبرد قیاسی) گونه پژوهشی این تحقیق، بنیادی- کاربردی و مطالعه مورد پژوهی و ایستایی خواهد بود.

#### پیشینه پژوهش

در زمینه برنامه موشکی ایران کتاب‌ها، مقالات و گزارش‌های متعددی نگاشته شده است. با توجه به اهمیت و دامنه پژوهشی، موضوع دارای اهمیت مطالعاتی و تحقیقاتی جدید نیز هست؛ در ادامه به صورت موجز به چند مورد از این آثار اشاره می‌شود:

- کتاب «منع اشاعه موشک‌های مافوق صوت: ممانعت از گسترش کلاس جدیدی از تسلیحات» نوشته ریچارد اسپیر و دیگران که موضوع موشک را عمدتاً از جنبه‌های فنی و ابعاد تخصصی آن مورد بررسی قرار داده‌اند. نویسندگان کتاب بر ضرورت ایجاد رژیم‌های محدودیت‌زای کنترل صادرات جهت جلوگیری از اشاعه عمدتاً افقی موشک‌ها تأکید دارند (Speier & others, 2017).

- مقاله «تحلیل هنجارین رژیم کنترل فناوری موشکی و الزامات دفاعی جمهوری اسلامی ایران» نوشته نادر ساعد که با تمرکز بر ابعاد حقوقی- بین‌المللی موضوع موشک، به نقد و ارزیابی رژیم‌های دوجانبه و چندجانبه بین‌المللی در زمینه کنترل صادرات موشکی می‌پردازد (ساعد، ۱۳۸۶).

- کتاب «کنترل تسلیحات و اشاعه موشک در خاورمیانه» نوشته برنرد کوبیگ و اسون فیکنشر است. نویسندگان ضمن بررسی موضوع تسلیحات کشتار جمعی در منطقه خاورمیانه، در تلاش‌اند برنامه موشکی ایران را به برنامه هسته‌ای جهت به‌کارگیری در مقاصد نظامی و غیر صلح‌آمیز پیوند دهند (Kubbig & Fikenscher, 2012).

- مقاله «گفتمان‌ها و رویه‌های دفاع موشکی در مدالیته‌های مرتبط با بازدارندگی در قرن بیست و یکم» نوشته نیک هاینک که موضوع موشک را از منظر بازدارندگی و نقش آن در راهبرد و سیاست دفاعی - نظامی ایران مورد بررسی قرار داده است (Hynek, 2010).

- مقاله «تأثیر رژیم کنترل تکنولوژی موشکی بر امنیت ملی و توان بازدارندگی ج.ا. ایران» نوشته بهادر امینیان و شفق ضمیری است که به معرفی و بررسی رژیم کنترل فناوری موشک و چگونگی تأثیرگذاری آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود (امینیان و ضمیری، ۱۳۹۵).

- رساله دکتری «رژیم‌های چندجانبه کنترل صادرات و امنیت ملی کشورهای در حال توسعه (تأملی بر وضعیت ج.ا. ایران)» نوشته غلامحسین دهقانی که به بررسی تاریخچه و نحوه شکل‌گیری رژیم‌های چندجانبه کنترل صادرات و تأثیرات آن‌ها بر برنامه موشکی و امنیت ملی کشورها با تمرکز بر ایران می‌پردازد (دهقانی، ۱۳۸۸).

#### نوآوری در پژوهش

پژوهش‌های متعددی در زمینه برنامه موشکی ج.ا. ایران و نیز تبیین ابعاد فنی، حقوقی و بین‌المللی آن نیز صورت گرفته است؛ اما نکته حائز اهمیت کمبود ادبیات علمی، جامع و بومی در حوزه تأثیرات برنامه موشکی ج.ا. ایران بر موازنه قدرت در منطقه راهبردی و پرتلاطم غرب آسیا که همواره یکی از مهم‌ترین کانون‌های بحران‌ها و تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، است؛ در این راستا در این پژوهش در نظر است با توجه به خلأ تحقیقاتی موجود، ضمن ارائه تصویری جامع از ماهیت توانمندی موشکی ج.ا. ایران به بررسی اثرگذاری آن بر موازنه قدرت منطقه‌ای بپردازد.

وجه تمایز و نوآورانه این پژوهش در میان آثار متعددی که در زمینه موضوع موشک به رشته تحریر درآمده است، در نوع دید و نحوه نگرش آن به موضوع برنامه موشکی ج.ا. ایران و بررسی تأثیر/تأثیرات آن بر موازنه قدرت در منطقه راهبردی غرب آسیا است؛ در این پژوهش ضمن ارائه تعریف بومی از توانمندی موشکی، مؤلفه‌ها و عوامل شکل‌دهنده موازنه

قدرت منطقه‌ای و شرایط و الزامات معمای امنیتی منطقه مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ موضوعاتی که در آثاری که پیش‌تر ذکر آن رفت به آن‌ها اشاره‌ای نشده است.

### تعاریف

#### موازنه قدرت

موازنه قدرت به عنوان یک وضعیت ناشی از رضایت نسبی کشورها از تقسیم قدرت در میان آنان است. موازنه قدرت به عنوان یک تمایل عمومی و قانون رفتار دولت‌ها در پی پدید آمدن یک عامل بر هم زننده موازنه باعث ترس و وحشت اعضای سیستم خواهد گردید و آنان را به عکس‌العمل متقابل وا خواهد داشت (علی‌بابایی: ۱۳۷۰، ۱۷). موازنه قدرت، قانون رفتار دولت‌هاست؛ بدین معنا که آنان در صورت رویارویی با قدرتی متجاوز و برهم‌زننده تعادل، به تأسیس یک ائتلاف متوازن‌کننده مبادرت ورزیده و از ظهور قدرتی مسلط و برتر جلوگیری می‌کنند (دوئرتی و فالتزگراف: ۱۳۷۲، ۶۷). نظریه موازنه قدرت بر این اصل استوار است که امنیت بین‌المللی زمانی افزایش می‌یابد که قدرت نظامی به نحوی توزیع شده باشد که هیچ دولتی به اندازه‌ای که توانایی تفوق آمدن بر دیگر دولت‌ها را داشته باشد، قدرتمند نباشد؛ این نظریه معتقد است که اگر یک دولت، قدرت فوق‌العاده زیادی داشته باشد از قدرت خود استفاده می‌کند و به کشورهای ضعیف حمله می‌کند (Kegley, 2003: 503).

#### توانمندی موشکی

در خصوص توانمندی موشکی، تعریفی جامع و مورد اتفاق نظر صاحب‌نظران این حوزه وجود ندارد؛ این موضوع از یکسو به دلیل تنوع و اشاعه افقی و عمودی گسترده انواع موشک‌ها و از سوی دیگر به خاطر قابلیت‌ها و تهدیدات فراروی کشورها در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی است. جمهوری اسلامی ایران بنا به شرایط سیاسی خاص خود از جمله تحریم‌ها، محدودیت‌ها و موانع پیش‌روی برای تأمین تجهیزات نظامی و نیازهای دفاعی-امنیتی و همچنین ماهیت و نوع تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی، چاره‌ای جز تنوع‌بخشی در حوزه تولیدات نظامی، به‌ویژه انواع موشک‌ها و با اتکای به قابلیت‌های داخلی ندارد؛ در این راستا در پژوهش حاضر توانمندی موشکی با توجه به دو عنصر مذکور به شکل زیر تعریف می‌شود:

«کشورهایی که دارای فناوری بومی طراحی، ساخت، تولید و پرتاب انواع موشک‌های کوتاه‌برد، میان‌برد و دوربرد به‌عنوان سلاح راهبردی هستند».

#### منطقه غرب آسیا

غرب آسیا بیش از آنکه یک مفهوم و اصطلاح جغرافیایی باشد، مفهومی ژئوپلیتیک است و از این‌رو در مورد حدود و ثغور آن تعاریف و دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد. غرب آسیا در منطقه بین آسیای مرکزی و آفریقا، اروپای شرقی واقع شده است؛ بخش عمده‌ای از منطقه اغلب به عنوان خاورمیانه اطلاق می‌شود؛ گرچه از لحاظ جغرافیایی، سرزمین اصلی مصر را (که به لحاظ فرهنگی یک کشور خاورمیانه محسوب می‌شود) دربر نمی‌گیرد. (www.worldatlas.com, 2018, 06, 27) در این راستا در این پژوهش مفهوم غرب آسیا به عنوان جایگزینی برای اصطلاح خاورمیانه به کار می‌رود و شامل پانزده کشور است که عبارت‌اند از یمن، عمان، عربستان، کویت، ایران، قطر، امارات، اردن، رژیم بعث عراق، سوریه، مصر، لبنان، فلسطین و ترکیه است (پیشگاهی فرد و فراهانی، ۱۳۹۲: ۲۵۴).

#### مبانی نظری

موازنه قدرت پس از جنگ جهانی دوم توسط مورگنتا به صورت یک نظریه تدوین شد و سپس متفکرینی چون اسایکمن، آرون، کیسینجر، مکیندر و نیبور آن را تکمیل کردند. در خصوص موازنه قدرت نظریه واحدی وجود ندارد بلکه نظریه‌های گوناگونی وجود دارد که تمامی آن‌ها ملهم از این فرضیه بنیادی واقع‌گرایی هستند که دولت‌ها بازیگران اصلی نظام بین‌الملل هستند و تحت فشارهای نظام آنارشیک بین‌المللی به طور عقلایی در پی افزایش قدرت و یا امنیت خود هستند؛ بر اساس این اصل، مکانیسم بقای اجتماع دولت‌ها یا دولت‌های منفرد را وادار به مقابله با تمرکز و انباشت قدرت می‌نماید؛ این امر موازنه قدرت را به عنوان پوشش بنیادین سیاست بین‌الملل مطرح می‌سازد که بازتولید اجتماع دولت‌ها و افزایش بقای واحدها را میسر می‌سازد. علی‌رغم تلاش‌های مورگنتا، نظریه موازنه قدرت تنها پس از بازسازی توسط والتز به جایگاه نظری قابل قبولی دست یافت (چگنی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۳۲).

نواقع‌گرایی یا واقع‌گرایی ساختاری را نخستین بار کنت والتز در کتاب «نظریه سیاست بین‌الملل» ارائه داد. نواقع‌گرایی نظریه‌ای واقع‌گراست که به اصول و مفروضه‌های محوری واقع‌گرایی کلاسیک مانند کشور محوری، قدرت محوری، موازنه قدرت، یکپارچگی و عقلانیت کشورها و وضع طبیعی بین‌المللی وفادار است؛ اما برخلاف واقع‌گرایی که دیدگاهی در سطح خرد است، نواقع‌گرایی نظریه‌ای در سطح تحلیل کلان یا تصویر سوم است که رویکردی برون به درون به نتایج بین‌المللی و سیاست خارجی دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۵-۳۴). نواقع‌گرایان معتقدند که نظام بین‌الملل بی‌نظم و آنارشیک است؛ این بی‌نظمی البته به معنای هرج و مرج و عدم نظم و نسق و رفتار الگومند نیست؛ همچنین به معنای جنگ تمام‌عیار و مناقشه‌عریان و مستمر نیز نیست؛ بلکه منظور از بی‌نظمی، نوعی اصل نظام بخش و تنظیم‌کننده است که توضیح می‌دهد نظام بین‌الملل از واحدهای سیاسی مستقلی تشکیل شده است که فاقد یک اقتدار مرکزی حاکم بر آن‌ها است (Baldwin, 1993: 29-32). از دیدگاه نواقع‌گرایی، در غیاب یک مرجع و اقتدار مرکزی، مؤثرترین راه تأمین صلح و امنیت بین‌المللی، توزیع برابر قدرت بین قدرت‌های بزرگ است؛ این موازنه می‌تواند فارغ از مقاصد و ویژگی‌های بازیگران، باعث ارتقای نظم، ثبات و صلح بین‌المللی شود.

(Keohane, 1989: 112-113).

نظریه نواقع‌گرایی والتز برای موازنه قدرت جایگاه محوری قائل است. والتز نگاه تاریخی کلاسیک را رها کرده است و نگرش ساختاری به سیاست بین‌الملل را برمی‌گزیند؛ وی در کتاب «نظریه سیاست بین‌الملل» با قرار دادن بنیان‌های واقع‌گرایی ساختاری بر نظریه موازنه قدرت، می‌گوید که جریان رقابت در «وضعیت هابزی» برای بقا، زیر فشارهای شدید قرار دارد؛ این فشارها موجب شکل‌گیری انواع متفاوتی از رفتارها در میان بازیگران می‌شود؛ از یکسو بازیگران نظام بین‌الملل را مجبور می‌سازد تا از رفتارهای موفق‌ترین بازیگران الگوپذیری کنند که منجر به ایجاد واحدهای یکسان و همزیستی میان بازیگران می‌شود؛ از سوی دیگر افزایش سریع قدرت یک بازیگر سبب تحریک سایر بازیگران برای افزایش قدرت خود و در صورت کفایت نداشتن، موجب ایجاد اتحاد میان آن‌ها برای جلوگیری از ظهور هژمون بالقوه می‌شود. زمانی که موازنه قدرت برقرار شد، جاه‌طلبی هژمونیک از میان می‌رود؛



بنابراین در وضعیت آنارشیک نظام بین‌المللی، موازنه قدرت همچون «دست نامرئی» آدام اسمیت در بازار عمل می‌کند (سازمند و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۵۶). والتز معتقد است که سیاست موازنه قدرت هر زمانی که دو پیش شرط وجود داشته باشد حکم‌فرما خواهد بود: یکی اینکه نظم نظام، آنارشیک باشد و دیگری اینکه نظام بر از واحدهایی باشد که به دنبال بقا باشند (Waltz, 2000: 121). نظریه موازنه قدرت والتز، فرض را برای این قرار می‌دهد که کشورها برای بقا بیشتر تمایل دارند رفتارهای مبتنی بر موازنه ایجاد کنند تا راهبردهای دنباله‌روی. از نظر والتز موازنه به عنوان رفتار، دو گونه پاسخ به تغییرهای تهدیدکننده ساختاری را شامل می‌شود: ۱) موازنه خارجی، هنگامی رخ می‌دهد که دولت‌ها مقابل هژمون بالقوه ائتلاف ایجاد می‌کنند؛ ۲) موازنه داخلی که بیش از هر چیز معطوف به افزایش نیروی نظامی خود است که پیامد احساس فزاینده ناامنی است (Vinci, 2009: 7-8).

التز در بنیان‌گذاری و ترسیم نظریه موازنه قدرت اصول متعددی را مطرح می‌نماید که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ۱) جایگاه دولت‌ها بر رفتار آن‌ها اثرگذار است؛ ۲) دولت‌ها برای توازن قدرت تلاش می‌نمایند تا به حداکثر رساندن آن‌ها؛ ۳) نظریه موازنه قدرت عرصه سیاست بین‌الملل را به عنوان گستره رقابتی تصور می‌نماید؛ سرنوشت هر دولت بستگی به پاسخ‌های آن به رفتار دولت‌های دیگر دارد؛ رقابت تمایل به یکسان بودن رقابت‌کنندگان را ایجاد می‌کند؛ ۴) تأثیر رقابت، صرفاً محدود به گستره نظامی نیست؛ جامعه‌پذیری نسبت به سیستم نیز رخ می‌دهد (Waltz, 2000: 127).

التز همچنین انتظارات زیر را از موازنه قدرت مطرح می‌کند: ۱) دولت‌ها در رفتار توازن بخشی درگیر می‌شوند و این الزاماً به معنای توازن قدرت نیست؛ ۲) سیستم تمایل شدید به قدرت دارد ولی انتظار بر آن نیست که توازن به صورت دفعی ایجاد شود یا حفظ و پایدار باشد؛ ۳) توازن قوایی که به صورت دفعی از بین برود، مجدداً ایجاد خواهد شد؛ ۴) توازن قدرت مکرراً شکل می‌گیرد؛ ۵) با توجه به رقابتی بودن سیستم دولت‌ها، ویژگی‌های رقبا مشخص خواهد شد؛ ۶) دولت‌ها از یکدیگر تقلید می‌نمایند و بنابراین نسبت به این سیستم جامعه‌پذیر شده یا خواهند شد (Waltz, 2000: 128).

### نوواقع‌گرایی و موازنه قدرت منطقه‌ای

نظریه موازنه منطقه‌ای از منظر نوواقع‌گرایان از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ این امر ناشی از تأکید نظریه‌پردازان نوواقع‌گرا بر موضوع قدرت و امنیت است. افرادی همانند کنت والتز، استفن والت و جان میرشایمر درصدد برآمدند تا موضوع رقابت بازیگران برای قدرت و امنیت را در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی مورد ارزیابی قرار دهند. بر اساس نظریه والتز، موضوع توازن قدرت از این جهت اهمیت دارد که قادر به کنترل منازعات و بحران‌های منطقه‌ای است؛ اگرچه وی به سرشت انسان و دولت در شکل‌گیری جنگ و صلح نیز توجه دارد؛ اما محور اصلی چنین فرایندی را ناشی از چگونگی موازنه و توازن قدرت بین بازیگرانی می‌داند که در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی به رقابت می‌پردازند (والتز، ۱۳۸۲: ۸۷).

اگرچه بین رهیافت واقع‌گرایی و نوواقع‌گرایی درباره چگونگی سازمان‌دهی توازن منطقه‌ای، تفاوت‌هایی وجود دارد؛ اما باید بر این امر تأکید داشت که آن‌ها با یکدیگر دارای مشابهت‌های ادراکی نیز هستند؛ این مشابهت‌ها را می‌توان زیرساخت موضوع قدرت، امنیت، ثبات منطقه‌ای، تعادل منطقه‌ای و همچنین موازنه منطقه‌ای دانست. باید گفت تمام شاخه‌هایی که به شکلی از نظریه واقع‌گرایی منشعب شده‌اند در اصول اساسی با همدیگر تفاوتی ندارند؛ تمامی این شاخه‌ها به‌رغم داشتن تفاوت‌هایی در اصول زیر با هم اشتراک نظر دارند:

الف) در روند سازمان‌دهی توازن منطقه‌ای، دولت‌ها به عنوان اصلی‌ترین کنشگر و بازیگر محسوب می‌شوند؛

ب) نظریه‌پردازان واقع‌گرا و نوواقع‌گرا بر این اعتقادند که آنارشی ویژگی بسیار مهم نظام بین‌الملل محسوب می‌شود؛

ج) از آنجا که سیاست بین‌الملل و توازن منطقه‌ای در شرایط آنارشی شکل می‌گیرد؛ بنابراین طبیعی است که تمامی دولت‌ها به دنبال افزایش قدرت و امنیت خود باشند؛

د) سازمان‌دهی توازن منطقه‌ای نیازمند آن است که کشورها از ابزارهای متنوعی برای تولید قدرت استفاده کنند (کوپچان، ۱۳۸۲: ۱۱۷).

با توجه به مؤلفه‌های یاد شده، می‌توان به این جمع‌بندی رسید که ویژگی نظام بین‌الملل و به‌ویژه شکل توزیع قدرت، الگوی مناسبی برای تجزیه و تحلیل سیاست خارجی کشورها در

روند توازن منطقه‌ای محسوب می‌شود. ضرورت‌های توازن منطقه‌ای ایجاب می‌کند که بازیگران بتوانند از قابلیت‌های درونی خود برای ارتقای ثبات و تعادل در شرایط رقابتی، همکاری جویانه و منازعه‌آمیز استفاده کنند.

اگر کنش کشورها مبتنی بر الگوهای رقابتی باشد، به مفهوم آن است که رهیافت‌های واقع‌گرایی از اهمیت بیشتری برخوردارند. اگر توازن منطقه‌ای بر اساس الگوهای همکاری جویانه باشد، به منزله آن است که در رهیافت‌های نواقعی‌گرایی تدافعی استفن والت از محوریت برخوردار است؛ در حالی که اگر کنش بازیگران برای ایجاد توازن منطقه‌ای مبتنی بر الگوهای منازعه‌آمیز باشد، در آن شرایط رویکردهای مبتنی بر نواقعی‌گرایی تهاجمی جان میرشایمر مورد توجه کشورها و بازیگران قرار می‌گیرد (مصلی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۴۶).

رهیافت نواقعی‌گرایی نسبت به موازنه قدرت در سال‌های پس از جنگ سرد با تفاوت‌های قابل توجهی روبه‌رو شده است. نخستین و اصلی‌ترین ویژگی موازنه منطقه‌ای در رویکرد واقع‌گرایی و نواقعی‌گرایی عصر جدید نسبت به سال‌های پیش از پایان جنگ سرد در ساختار دو قطبی را می‌توان انتقال مفهوم موازنه قدرت به حوزه‌های منطقه‌ای دانست؛ بنابراین اصلی‌ترین ضرورت امنیت‌سازی ایران در محیط پرتلاطم غرب آسیا را می‌توان پیگیری الگوهای همانند موازنه منطقه‌ای دانست (مصلی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۵۶).

#### موشک و موازنه قدرت

از نظر واقع‌گرایان و «نواقعی‌گرایان»، مؤثرترین راه برای مهار قدرت توسل به موازنه متقابل است. اصل اساسی در نظریه موازنه قدرت این است که قدرت‌های بزرگ توانمندی نظامی مکفی برای محدود کردن قدرتمندترین دولت در بین خود را فراهم و بسیج می‌نمایند (بروکز و ولفورث، ۱۳۹۲: ۵۱). موازنه قدرت تابعه‌ای است از مجموعه سرمایه‌ها و دارایی‌های ملموس و واقعی - نظیر یگان‌های رزمی و تجهیزات نظامی و سلاح‌های هسته‌ای - که هر قدرت بزرگی در اختیار دارد.

دولت‌ها دو نوع قدرت دارند: قدرت پنهان و قدرت نظامی، این دو شکل از قدرت به طور تنگاتنگی با یکدیگر مرتبط هستند اما کاملاً شبیه هم نیستند؛ چرا که از منابع و سرمایه‌های

متفاوتی مشتق شده‌اند. قدرت بالقوه عناصر اجتماعی - اقتصادی است که در ایجاد و بنیاد قدرت نظامی به کار می‌روند؛ این نوع از قدرت ریشه در میزان ثروت و جمعیت یک دولت دارد. قدرت‌های بزرگ برای تشکیل نیروی نظامی و شرکت در جنگ‌ها به پول و سرمایه، تکنولوژی و نیروی انسانی آموزش‌دیده نیاز دارند و قدرت نهفته یک دولت به مجموع عوامل و نیروهای بالقوه برمی‌گردد که آن دولت می‌تواند در هنگام مبارزه با دولت‌های رقیب بسیج نماید (میرشایمر، ۱۳۸۹: ۶۳). در نظریه موازنه قدرت، در اصل توازن قدرت بالفعل محور اصلی بحث را تشکیل می‌دهد؛ داشتن چنین موقعیتی سبب می‌شود تا رقبای دیگر، نسبی بودن قدرت را مورد ارزیابی مجدد قرار داده و امکان تشکیل ائتلاف‌ها و احتمال تغییر ناگهانی در توازن قدرت یا تقسیم مجدد حوزه نفوذ یا پیشرفت‌های یک‌جانبه تکنولوژیک را مدنظر قرار دهند (جونز، ۱۳۷۳: ۴۹).

در سیاست بین‌الملل، قدرت مؤثر و کارآمد یک دولت در نهایت تابعی از نیروهای نظامی آن و چگونگی و مقایسه این نیروها با نیروهای نظامی دولت‌های رقیب است؛ بنابراین موازنه قدرت به صورت گسترده‌ای مترادف با موازنه قوای نظامی است (میرشایمر، ۱۳۸۹: ۴-۶۳)؛ به همین دلیل کشورهای منطقه از قبیل عربستان، ترکیه، رژیم صهیونیستی، امارات، اردن و ... تلاش می‌کنند از طریق تخصیص بودجه‌های هنگفت نظامی و خرید تجهیزات و تسلیحات نظامی و همچنین ائتلاف با قدرت‌های بزرگ جهانی، برتری و نقش خود را در موازنه منطقه‌ای ارتقا بخشند؛ در مقابل، جمهوری اسلامی ایران به دلیل موانع و محدودیت‌های پیش‌روی خود، به‌ویژه تحریم‌های یک‌جانبه، دوجانبه و چندجانبه در زمینه خرید و تجهیز تسلیحات نظامی، مجبور به اتکای به توانمندی‌های داخلی و بومی در این زمینه است؛ در این راستا ارتقای توانمندی داخلی و بومی تولید انواع موشک‌های کوتاه‌برد، میان‌برد و دوربرد، با توجه به مزیت‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد آن‌ها می‌تواند مهم‌ترین ابزار قدرت برای حفظ موازنه قدرت منطقه‌ای و پیشگیری از شکل‌گیری هژمون منطقه‌ای و در نهایت جنگ و تجاوز علیه خود باشد.

دو استدلال متفاوت برای عدم شکل‌گیری هژمونی در نظریه توازن/موازنه قدرت مورد اشاره قرار می‌گیرد؛ دو روایت از اینکه چرا ساز و کار موازنه تقریباً با موفقیت در جهت

ممانعت از شکل‌گیری هژمونی عمل می‌کند: الف) هژمون‌های بالقوه انتظار دارند که رفتار توسعه‌طلبانه آن‌ها به شکل‌گیری ائتلافی نظامی علیه شان بینجامد و در نتیجه، از تجاوز پرهیز می‌کنند؛ ب) هژمون‌های بالقوه در پی سیاست‌های توسعه‌طلبانه‌شان هستند و در جنگ با ائتلاف کشورهای شکست می‌خورند؛ روایت اول به صلح می‌انجامد؛ اما دومی نه؛ بر این اساس وقوع جنگ حتی جنگ‌های بزرگ، به خودی خود و لزوماً نمی‌تواند شاهدهی علیه نظریه توازن قدرت یا فرضیه موازنه باشد. فرضیه‌های موازنه، اتخاذ استراتژی‌های موازنه‌ای از سوی دولت‌ها و پیامدی از موازنه را پیش‌بینی می‌کند؛ اما در مورد صلح سکوت می‌کند (لیتل، ۱۳۸۹: ۲۵).

#### اهمیت موازنه قدرت در غرب آسیا

غرب آسیا به عنوان یکی از حوزه‌های راهبردی، به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و دارا بودن ذخایر انرژی و منابع اقتصادی و حوزه‌های تمدنی و ایدئولوژیکی، محل تلاقی منافع و منازعه میان قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی است و هر یک از بازیگران ذی‌نفع و تأثیرگذار تلاش می‌کند تا محیط و قواعد بازی را به گونه‌ای مدیریت کند که حداکثر منافع خود را در منطقه تضمین نماید (عراقی، ۱۳۹۴: ۱۰۲). از نظر کنت والتز و دیگر نظریه‌پردازان واقع‌گرا، منطقه غرب آسیا با دو چالش مستمر در خصوص آینده ثابت آن بر پایه توزیع قدرت در میان دولت‌های آن مواجه است: الف) داشتن سلاح‌های هسته‌ای توسط اسرائیل در چارچوب ابهام راهبردی رابطه میان اسرائیل و دیگر کشورهای منطقه را ذاتاً نامتوازن و بنابراین مستعد منازعه و درگیری می‌سازد؛ ب) دست کشیدن آمریکا از راهبرد مهار دوگانه به نفع سیاست‌های مداخله‌گرایان تهاجمی به دنبال حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، عراق را به عنوان یک قدرت اصلی در منطقه غرب آسیا و موازنه دوقطبی منطقه‌ای بین عراق و ایران را از بین برد. بر اساس دیدگاه واقع‌گرایان، توزیع متناسب قدرت منجر به ارتقای صلح و ثبات خواهد شد؛ در حالی که توزیع نامتناسب قدرت عدم اطمینان از نیت دولت‌ها که جنگ را به عنوان یک نتیجه احتمالی رقابت امنیتی با حاصل جمع جبری صفر ارزیابی می‌کنند، افزایش می‌دهد؛ در چنین مواردی دولت‌های ضعیف‌تر تمایل دارند که با افزایش قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی از طریق

ابزارهای داخلی یا شکل‌گیری اتحادها موازنه قدرت در برابر رقبای قوی‌تر را ایجاد نمایند (Deep, 2018:2).

کشور ایران به دلیل واقع شدن در منطقه غرب آسیا با مخاطرات، چالش‌ها و تحولاتی عمده‌ای در محیط امنیتی خود روبه‌رو است. غرب آسیا یکی از مناطق استثنایی جهان به شمار می‌رود که هنوز هیچ‌گونه ترتیبات امنیتی توافق شده و پایداری در آن ایجاد نشده است؛ این منطقه همچنان با حجم وسیعی از بی‌ثباتی و ناامنی مواجه است و حتی با وجود موفقیت مناطق عمده جامعه بین‌الملل و کشورهای منطقه‌ای در استقرار نظام امنیتی جامع و پایدار و با وجود برخی تلاش‌های انجام گرفته، هنوز هیچ‌گونه نشانه‌ای جدی از استقرار این‌گونه نظام امنیتی در محیط پیرامونی ایران به چشم نمی‌خورد (واعظی، ۱۳۹۲: ۱۷).

موازنه‌گرایی از جمله اصول ثابت در مجموعه دیدگاه‌های واقع‌گرایی و نواقع‌گرایی است که دلیل مخالفت قدرت‌های بزرگ را با اقدامات قدرت هژمون و یا اقدامات یکدیگر به وضوح نشان می‌دهد (مصلی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۳۳). دولت‌ها تلاش می‌کنند تا از موازنه قدرت برای جلوگیری از تسلط یک قدرت سیطره‌جو (هژمون) استفاده کنند (Waltz, 2000:18). کشورهای که احساس تهدید می‌کنند از طریق موازنه سازی درون‌گرا، یعنی تقویت و افزایش توانایی‌های خود، یا موازنه سازی برون‌گرا، در چارچوب اتحادها و ائتلاف‌های نظامی به مقابله با کشور برهم‌زننده موازنه قوا برمی‌خیزند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۳۹). در دیدگاه نواقع‌گرایی، موازنه از دو راه تحقق خواهد یافت اول موازنه متعارف از طریق توازن سلاح‌های متعارف و ورود به ائتلاف‌های رسمی و یا از راه دوم موازنه نامتعارف از طریق کسب بازدارندگی هسته‌ای (جوکار، ۱۳۸۹: ۱۵۵).

نظام موازنه منطقه‌ای مبتنی بر تعادل قدرت و کنشگری بازیگرانی است که درصدد دستیابی به قدرت مازاد یا جایگاه برتر در فضای منطقه‌ای هستند. کشورهایی که از الگوی تضاد مستقیم بهره می‌گیرند، دیر یا زود در شرایط رویارویی قرار می‌گیرند؛ مگر اینکه با تهدید مشترکی روبه‌رو شده و یا به تولید قدرت برای ایجاد توازن مبادرت کنند. کشورهایی که درصدد هژمونی منطقه‌ای یا بین‌المللی هستند، عموماً با چنین مخاطراتی روبه‌رو می‌شوند (Roskin & Berry, 1992:139).

## ویژگی‌های موشک‌های بالستیک

بالستیک از واژه بالین یونانی به معنای پرتاب کردن گرفته شده است؛ این واژه در آثار راهبردی معاصر معمولاً در پیوند با موشک به کار می‌رود - مانند موشک بالستیک میان‌قاره‌ای و یا موشک بالستیک قابل پرتاب از زیردریایی - در تعریف موشک بالستیک گفته می‌شود که «موشکی است که یک منحنی بالستیکی را تا زمانی که سوخت پایان می‌یابد طی می‌کند و ممکن است بخشی از این خط سیر در خارج از جو زمین باشد» (Robertson, 1987: 34). موشک بالستیک همچون یک گلوله توپ و یا خمپاره به وسیله یک انفجار و با یک سازوکار از پیش تنظیم شده پرتاب می‌شود و سپس برای ادامه خط سیر خود به طور آزاد عمل و با سقوط آزاد و بدون کنترل به سمت هدف سرازیر می‌شود؛ این موشک خیلی سریع و در مدت زمان نسبتاً کوتاهی سوخت خود را از دست می‌دهد و این، سرعت کافی را برای ادامه مسیر در اختیار آن می‌گذارد؛ در واقع بیشتر موشک‌های بالستیک به سرعت از جو زمین عبور می‌کنند و شتاب جاذبه را برای ورود مجدد انباشت می‌سازند. موشک‌های بالستیک، خودکار و دارای سکوی پرتاب هدایت شونده‌اند. زمان پرواز - که ممکن است بخشی یا تمام آن در خارج از جو زمین باشد - از چند دقیقه برای سیستم‌های تاکتیکی کوتاه برد تا حدود سی دقیقه برای موشک‌های میان‌قاره‌ای در نوسان است (Harvey, 1992: 44). مسیر پروازی موشک‌های بالستیک شامل سه قسمت است: بخش قدرتی، بخش پرواز آزاد (که بیشترین زمان پرواز را شامل می‌شود) و بخش ورود مجدد (که در این بخش موشک مجدداً با جو زمین وارد می‌شود) (خادم حسینی، ۱۳۸۶: ۱۰۹). پیش از پرتاب، مختصات هدف و نقطه پرتاب وارد صفحه رایانه‌ای موشک می‌شود و سیستم هدایت و کنترل با استفاده از اطلاعات لازم، جهت‌یابی و موشک را هدایت می‌کند؛ به طوری که ضربت نهایی کلاهک دارای بردار سرعت مناسب برای رسیدن به هدف می‌شود (Harvey, 1992: 44).

موشک‌های بالستیک ویژگی‌های منحصربه‌فرد دارند که آن‌ها را برای مأموریت‌های خاصی جذاب می‌سازد؛ مقابله با این موشک‌ها به وسیله توانایی‌های ضد موشکی به دلیل سرعت زیاد، به سادگی امکان‌پذیر نیست؛ این سلاح‌ها به لحاظ عدم نیاز به آموزش سطح بالا، پایین بودن

هزینه‌های نظامی، آسیب‌ناپذیری برای سازوکارهای دفاعی و اثر روانی بر مردم شهرها، جنگ‌افزارهای مهمی محسوب می‌شوند؛ علاوه بر هزینه پایین و دقت بالا، برای کشورهایی که توانایی‌شان در مورد دستیابی، نگهداری و استفاده از نیروی هوایی محدود است، بسیار به صرفه هستند (Karp, 1995: 116). امروزه، ده کشور در منطقه غرب آسیا دارای انواع موشک‌های بالستیک در زرادخانه‌های خود هستند.

<https://www.armscontrol.org/factsheets/missiles>, (2018/10/02)

موشک‌های بالستیک در طول چند دهه اخیر بارها در منطقه غرب آسیا مورد استفاده قرار گرفته‌اند: جنگ‌های اعراب و رژیم صهیونیستی (۱۹۷۳)؛ جنگ ایران و رژیم بعث عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸)؛ حمله لیبی به لیبی دوسا سیسیل (۱۹۸۶)؛ جنگ افغانستان (۱۹۸۸)؛ جنگ خلیج فارس (۱-۱۹۹۰)؛ جنگ داخلی یمن (۱۹۹۴)؛ (کرمی، ۱۳۷۵: ۹-۳۸)؛ جنگ یمن با نیروهای ائتلاف (۲۰۱۷-۲۰۱۸)؛ حمله آمریکا به سوریه (۲۰۱۸)؛ و حملات ایران به مواضع داعش در سوریه و حزب دموکرات کردستان در عراق (۸-۲۰۱۷).

#### مروری بر برنامه موشکی ایران

اولین تلاش‌های ایران برای به دست آوردن موشک‌های بالستیک به سال‌های پایانی حکومت پهلوی بازمی‌گردد. در اواخر دهه ۷۰ میلادی شاه با نزدیکی به آمریکا درخواست خرید موشک‌های سطح به سطح برد کوتاهی نمود که این کشور به همسایه ایران یعنی ترکیه فروخته بود؛ زمانی که این درخواست عملیاتی نشد، محمدرضا شاه به سمت رژیم صهیونیستی برای تولید مشترک یک موشک بالستیک با قابلیت حمل کلاهک‌های متعارف و هسته‌ای متمایل شد؛ در ۱۹۷۷ دو کشور توافقنامه سری امضا کردند که به موجب آن ایران بایستی یک میلیارد دلار جهت هزینه‌های تحقیقات و توسعه موشک می‌پرداخت و همچنین یک سایت پرتاب را ایجاد نماید؛ هم‌زمان شاه تلاش‌های مخفیانه‌ای را برای دستیابی به قابلیت‌های هسته‌ای دنبال نمود. ایران بخشی از تعهدات مالی خود را در چارچوب پروژه مشترک با رژیم صهیونیستی پرداخت نمود؛ ولی وقوع انقلاب اسلامی در فوریه ۱۹۷۹ پایانی بر این تلاش‌ها جهت دستیابی به قابلیت موشک‌های بالستیک بود (Taremi, 2005: 95).



با شروع جنگ ایران و عراق، ارتش رژیم بعث عراق از همان ابتدای جنگ با موشک‌های اسکاد-بی و فراگ-هفت به بمباران شهرهای ایران اقدام نمود. ضرورت بازداشتن رژیم بعث عراق عامل اصلی از سرگیری تصمیم دستیابی به موشک‌های بالستیک بود. رژیم بعث امیدوار بود که با حملات موشکی به شهرها و مراکز غیرنظامی اراده مقاومت ایرانیان را در هم شکند و آن‌ها را به تسلیم وادارد؛ اما با نتیجه‌بخش نبودن این رویکرد رژیم بعث عراق الگوی حملات خود را تغییر داد. اگر در سال‌های آغازین جنگ حملات در تمام طول سال و عمدتاً متمرکز بر شهرها و مراکز ایرانی نزدیک به مرز بود؛ اما از ۱۹۸۵ حملات رژیم بعث عراق در دوره‌های زمانی محدودی و عمدتاً با تمرکز بر شهرها و مراکز دور از میدان‌های نبرد (مانند تهران، اصفهان و شیراز) رخ داد؛ این دوره‌های فشرده حملات موشکی و توپخانه‌ای رژیم بعث عراق به عنوان «جنگ شهرها» شناخته شد. در طول جنگ شهرها (مارس ۱۹۸۵، ژانویه ۱۹۸۷ و ۲۹ فوریه تا ۱ می ۱۹۸۸) بیش از ۳۰ شهر ایران مورد حملات شدید موشکی و توپخانه‌ای رژیم بعث عراق قرار گرفت. بر اساس برخی گزارش‌ها در طول جنگ شهرها از میان شهروندان و غیرنظامیان ۴۰۰۰ تن کشته و ۱۲۰۰۰ تن زخمی شدند (Taremi, 2005: 96).

ایران در ۱۹۸۴ در پاسخ ابتدا تلاش کرد که سامانه‌های موشکی اسکاد-بی را به طور کامل از کشورهای سوریه و لیبی و بعدها کره شمالی خریداری نماید؛ ولی با توجه به اینکه تعداد موشک‌های اسکاد-بی به دست آمده توسط ایران از بازار سیاه محدود بود، ایران تصمیم گرفت فناوری و تجهیزات لازم را از چین برای تولید راکت‌های توپخانه‌ای چینی که با نام «عقاب» و با برد ۴۰ کیلومتر و قابلیت حمل کلاهک ۷۰ کیلوگرمی در ایران طراحی شدند، خریداری نماید؛ به عبارت دیگر ایران در این مرحله در حال گام برداشتن به سمت ایجاد یک صنعت موشکی بالستیک مستقل و بومی بود (Cordesman & Wagner, 1990: 205-230). ایران در دهه ۱۹۹۰ به منظور جلوگیری از تکرار حوادث تلخ گذشته تقویت توان نظامی را به عنوان یکی از رئوس اصلی برنامه نوسازی خود قرار داد، به نحوی که هیچ‌کس جرئت حمله به ایران را پیدا نکند (Hashim, 1994: 163).

در اوایل دهه ۱۹۹۰ ایران در نتیجه تلاش‌ها و همکاری‌های علمی، فنی و نظامی خود با برخی کشورها از جمله کره شمالی، چین و روسیه توانست از یک واردکننده صرف موشک به

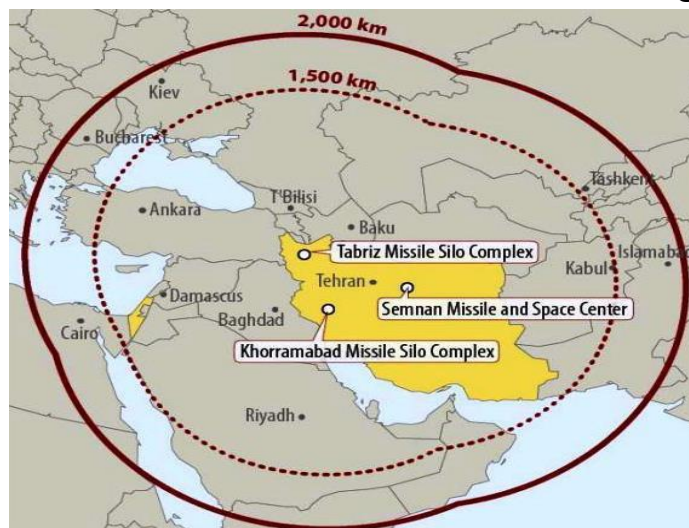
تولیدکننده موشک به صورت محدود در سطح جهان تبدیل شود. ایران در ۱۹۹۱ موشک بالستیک با عنوان اسکاد-سی کره شمالی، در ۱۹۹۶ موشک کروز سطح به سطح چینی -۸۰۲C و در ۱۹۹۷ موشک‌های کروز هواپایه چینی -۸۰۱C را آزمایش کرد؛ نهایتاً ایران در ژانویه ۱۹۹۸ ساخت موشک برد متوسط شهاب ۳ را به پایان رساند و در جولای همان سال آن را آزمایش کرد؛ این موشک ۱۶ متری با برد ۱۳۰۰ کیلومتر و قابلیت حمل محموله ۱۰۰۰ کیلوگرمی بسیاری از معادلات کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای را تغییر داد (Cordesman, 2014: 7)؛ پس از آزمایش موشک شهاب ۳ توانمندی موشکی ایران مورد توجه جهانیان، به‌ویژه رژیم صهیونیستی، امریکا و کشورهای عرب حاشیه جنوب خلیج فارس قرار گرفت.

پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و متعاقب آن حملات نیروهای ائتلاف به رهبری امریکا به افغانستان (۲۰۰۱) و رژیم بعث عراق (۲۰۰۳) محیط امنیتی ایران به شدت دستخوش تغییر گردید. در سال ۲۰۰۳ پرونده هسته‌ای ایران به صورت گسترده‌ای در سطح جهانی مطرح گردید؛ این موضوع در کنار برجسته‌تر شدن موضوعاتی از قبیل تروریسم، اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی (هسته‌ای، بیولوژیک و شیمیایی) و موشک‌های بالستیک، بازیگران غیردولتی و کشورهای یاغی باعث شد که فعالیت‌های موشکی ایران با دقت و حساسیت بیشتری از سوی دیگر کشورها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی دنبال گردد؛ در این دوره به‌رغم موانع، محدودیت‌ها و مشکلات پیش‌روی، جمهوری اسلامی ایران به دست‌آوردهای چشم‌گیری - به اذعان بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران بین‌المللی - در زمینه توانمندی موشکی دست یافت؛ در این دوره ایران به خوداتکایی و توانمندی بومی در زمینه طراحی، ساخت و پرتاب انواع موشک بالستیک (شامل کوتاه‌برد، میان‌برد و دوربرد) دست یافت؛ به طوری که این برهه زمانی را می‌توان «دوران بلوغ» برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران نامید.

#### توانمندی موشکی ج.ا.ایران

شاخصی که در مورد موشک‌های بالستیک بیش از همه بر آن تأکید می‌شود، برد آن‌هاست. (۱) ایران موشک‌های بالستیک خود را در طیفی از بردهای ۱۵۰ تا ۵۰۰۰ کیلومتر طبقه‌بندی می‌کند (اعم از کوتاه‌برد، میان‌برد و دوربرد) و معتقد است این توانمندی، کمبودهای نیروی

هوایی آن را جبران می‌کند اما توسعه آن نیازمند سرمایه‌گذاری‌های بیشتر است (Toakan & Cordesman, 2014:115). نیروی موشکی ایران برد گسترده‌ای از اهداف راهبردی را پوشش می‌دهد که از یک سو شامل موشک‌های کوتاه برد است که اهداف محصور و محدود نیروی زمینی را پوشش می‌دهد و از سوی دیگر شامل موشک‌های میان برد و دوربرد می‌شود که قادر به پوشش سراسری اهداف منطقه‌ای است (تصویر شماره ۱). موشک‌های دوربرد دارای ارزش راهبردی و سیاسی برای ایران هستند؛ اما هنوز امکان پیش‌بینی برد و دقت آن‌ها ممکن نشده است (Cordesman, 2014:65; Cordesman, 2015:6-7). به همگرایی امنیتی و مجتمع امنیتی منطقه‌ای اختلافات منطقه‌ای است (آشوری، ۱۳۸۹).



تصویر شماره ۱: برد موشک‌های ایران در منطقه (Source: Steven, 2012: 4)

جمهوری اسلامی ایران از انواع موشک‌ها در طول دهه‌های اخیر برای افزایش توانمندی موشکی و رفع تهدیدات پیرامونی بهره گرفته است. عمده‌ترین مزیت کلیدی برنامه موشکی ج.ا.ایران دارا بودن زنجیره کامل فناوری موشکی است؛ به طوری که بر اساس ارزیابی تارنمای «ورلد بلیز»<sup>۱</sup> ایران در میان ده کشور برتر جهان در زمینه فناوری موشکی در سال ۲۰۱۸ است؛

1. World Blaze

به این معنا که ایران دارای توانمندی بومی طراحی، ساخت و پرتاب انواع موشک‌های کوتاه‌برد، میان‌برد و دوربرد است.

در سیاست دفاعی است؛ پیشرفت موشکی ایران از یک سو باعث افزایش و تقویت قدرت نظامی و دفاعی این کشور در روابط با منطقه و فرامنطقه شده و از سوی دیگر باعث گسترش توان بازدارندگی به خارج از مرزهای آن شده است. از پیامدهای مهم توسعه توان موشکی کشورها در جهان امروز، کاهش اهمیت جغرافیا است؛ بنابراین تقویت فعالیت‌های موشکی این توانمندی را برای ایران به وجود می‌آورد تا برای ورود به جنگ و درگیری، هم‌مرز بودن با دشمن برای دفع تهدیدات جزء اولویت‌های مهم نباشد؛ چون استفاده از موشک‌های دوربرد و با دقت بیشتر قدرت بازدارندگی را به خارج از مرزها تسری داده است؛ هم‌چنین موفقیت‌های ایران در افزایش قابلیت‌های موشکی از لحاظ دقت و برد، قدرت ضربتی نیروهای مسلح را تا حد زیادی افزایش داده و توان ویژه دفاعی به ایران داده است که در این صورت سیاست دفاعی آن قادر خواهد بود با تهدیداتی که از دور دست متوجه امنیت ملی و استقلال سیاسی کشور است، مقابله کند؛ بر این اساس دامنه راهبرد دفاعی امنیتی ایران با تحول در فناوری سامانه موشکی به فراتر از مرزهای جغرافیایی اشاعه یافته و هم‌چنان در حال گسترش است (ارغوانی پیرسلامی و پیرانخو، ۱۳۹۶: ۶۶-۶۷).

از دید بسیاری از کشورهای منطقه و فرامنطقه، امروزه ایران دارای بیشترین و متنوع‌ترین موشک‌های بالستیک در منطقه غرب آسیا است؛ که روزبه‌روز در حال توسعه آن‌هاست؛ این توانمندی موشکی از احتمال حمله علیه ایران جلوگیری کرده و حتی وسیله‌ای برای ارباب محسوب می‌شود (Elleman, 2010: 3)؛ آن‌ها معتقدند اهداف استراتژیک عینی و معقول ایران از دست‌یابی به این نوع موشک‌ها در درجه نخست بقای نظامی و سپس تبدیل شدن به قدرت نخست منطقه و در نهایت مرکزیت فناوری، علمی و اقتصادی است (Hildreth, 2012: 12).

شایان ذکر است با توجه به موقعیت سرزمینی ایران، داشتن موشک شاید تنها ابزار راهبردی در جنگ‌های منطقه‌ای باشد که کارکرد خود را در جنگ‌های دهه‌های اخیر منطقه غرب آسیا به وضوح نشان داده است؛ چنان‌که در جنگ ایران و رژیم بعث عراق، در مرحله‌ای که از آن به عنوان

جنگ شهرها یاد می‌شود، از موشک‌های بالستیک نوع اسکاد بسیار استفاده شد و در نهایت، به دنبال تخریب و ویرانی بسیاری که در این مرحله به بار آمد، جنگ پایان یافت و این امر اثر تعیین‌کننده موشک‌ها در جنگ را نشان داد؛ بنابراین جمهوری اسلامی ایران دفاع موشکی را به عنوان گزینه‌ای گریزناپذیر در مقابل تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود می‌داند (شهبازی و سلطانی، ۱۳۹۶: ۳۵۴).

روی هم رفته، می‌توان برخی از مهم‌ترین توانمندی‌ها و قابلیت‌های موشکی جمهوری اسلامی ایران را در موارد زیر خلاصه نمود: (۱) پراکندگی پایگاه‌های موشکی در تمام کشور؛ (۲) دارا بودن توانمندی موشک از اعماق زمین و سیلوهای زیرزمینی؛ (۳) برخورداری از زمان کوتاه آماده‌سازی؛ (۴) دارا بودن سامانه پرتاب متحرک؛ (۵) برخورداری از شتاب و سرعت بسیار بالا و کاهش امکان ردیابی در مراحل اولیه؛ (۶) دارا بودن قابلیت حمل موشک آماده شلیک؛ (۷) برخورداری از سرعت مافوق صوت؛ (۸) دارا بودن وسعت عمل و پوشش بالا؛ (۹) استفاده از آلیاژهای خاص در ساخت موشک‌ها به منظور جذب امواج رادارها و دارا بودن قابلیت رادارگریزی؛ (۱۰) دارا بودن کلاهک سه قسمتی؛ (۱۱) برخورداری از دقت بالا در برخورد به هدف‌ها؛ (۱۲) دارا بودن توانایی هدف قرار دادن مراکز حیاتی و حساس دشمن (نصیری، ۱۳۹۲: ۱۱۶).

#### سیاست دفاعی

سیاست دفاعی هر دولتی از سیر تحول تاریخی، اجتماعی، ایدئولوژیک و فرهنگ و سنت‌های دفاعی ملت و نیز موقعیت ژئوپلیتیک، چارچوب استراتژیک و فناوری‌ها و عوامل اقتصادی کشور سرچشمه می‌گیرد؛ این موضوع موجب شده است که ارائه یک نسخه برای سیاست دفاعی دولت‌های مختلف امکان‌پذیر نباشد. برای مفهوم سیاست دفاعی، تعاریف متعددی ارائه شده است؛ در تعریفی گسترده، سیاست دفاعی به راه‌کارهای کلی طراحی شده یک دولت در حوزه‌های نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برای دفع تهدیدهای امنیتی اطلاق می‌شود؛ در این مفهوم سیاست دفاعی فرایند هماهنگ کردن این ابزارها برای دفع

تهدیدها و تأمین اهداف ملی است (کرمی، ۱۳۸۰: ۶۱). به طور کلی سیاست دفاعی کشورها ممکن است به یکی از اشکال زیر باشد:

۱) سیاست دفاعی کاملاً متکی به خود: برخورداری از قدرت مناسب و کافی یا وضعیت محیط امنیتی کاملاً هرج و مرج گونه که ناامنی و عدم اطمینان بر آن حاکم است از جمله دلایل اتخاذ چنین سیاست دفاعی هستند؛

۲) سیاست دفاعی متکی به هم‌پیمانان نظامی: در وضعیتی که احتمال تبدیل یک بازیگر منطقه‌ای به قدرت فائقه وجود دارد؛ سایر بازیگران برای ایجاد موازنه در مقابل آن به سمت استراتژی اتحاد متمایل می‌شوند. محیط امنیتی مبتنی بر موازنه قدرت، شرایطی مساعد برای این سیاست دفاعی تلقی می‌شود؛

۳) سیاست دفاعی متکی به قراردادهای پایدار و فراگیر: چنانچه در سطح نظام بین‌المللی و یا یک منطقه، نظام امنیت جمعی و یا رژیم امنیتی شکل گرفته باشد، دولت‌ها می‌توانند امنیت خود را در چارچوب آن نهادها تأمین کنند؛

۴) سیاست دفاعی غیر تحریک‌آمیز: هرگاه محیط امنیتی به سوی وضعیت یک رژیم امنیتی نزدیک باشد، سیاست دفاعی دولت‌ها می‌تواند غیر تحریک‌آمیز باشد (کرمی، ۱۳۸۰: ۶۷-۶۶).

#### موشک و سیاست دفاعی ایران

کالین گری در کتاب «سلاح، جنگ‌افروز نیست» می‌گوید که فرایند دستیابی به تسلیحات به شدت تحت تأثیر سه عنصر احساس خطر، امکان یا عدم امکان دستیابی به برخی سامانه‌های تسلیحاتی و افکار عمومی قرار دارد (گری، ۱۳۸۷: ۱۲۱). موشک‌های بالستیک از جمله جنگ‌افزارهایی هستند که ورود آن‌ها به زرادخانه‌های نظامی کشورها به دلیل برخورداری از دقت، برد، سرعت، آسیب‌ناپذیری دفاعی، قابلیت حمل کلاهک‌های کشتار جمعی و نفوذ آسان در مرزها، راهبردهای نظامی و منازعات را متأثر ساخته‌اند (کرمی، ۱۳۷۵: ۴۳)؛ این تسلیحات که با تعبیراتی چون «سلاح وحشت»<sup>۱</sup>، «نیروی هوایی فقرا»<sup>۲</sup> و یا «سیاست

1. The Weapon of Terror  
2. The poor man's air power

بالستیک»<sup>۱</sup> از آن‌ها یاد می‌شود بیش از پیش مورد توجه کشورهای جهان سوم واقع شده‌اند؛ به طوری که امروزه ۳۱ کشور ۲ در باشگاه دارندگان موشک بالستیک قرار دارند و دیگران نیز در صدد ورود به این مجموعه هستند (کرمی، ۱۳۷۵: ۳۸).

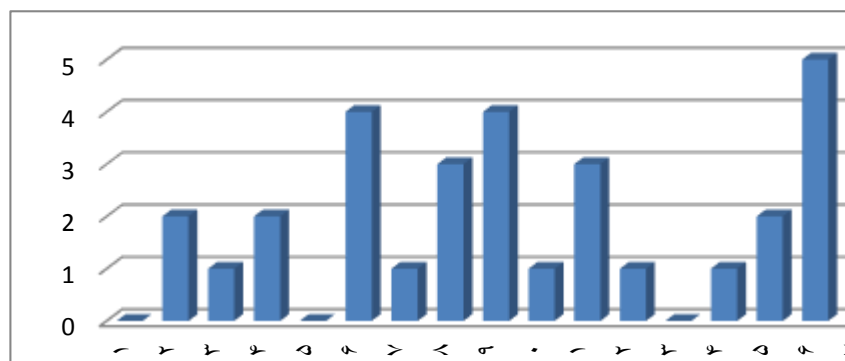
بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تلاش‌های بسیاری برای افزایش توان دفاعی انجام شد؛ اما برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذاری در صنعت موشکی پیشرفته، مهم‌ترین تلاش در زمینه افزایش توان دفاعی بوده است. اقتدار موشکی نه تنها جزئی از سیاست دفاعی مبتنی بر بازدارندگی متعارف ایران است، بلکه مرکز آن نیز به شمار می‌رود. سیستم نظامی ایران در زمان پهلوی دوم با تسلیحات آمریکا شکل گرفت. در پی انقلاب و حمله رژیم بعث عراق به ایران، جمهوری نوپای اسلامی خود را به لحاظ توان نظامی و به‌ویژه نیروی هوایی بسیار ضعیف و از منظر روابط بین‌المللی منزوی می‌دید؛ چون نیروی هوایی تنها به تجهیزات باقی‌مانده از دوران شاه مجهز بود که بعد از انقلاب، به دلیل تحریم تسلیحاتی از بازسازی آن محروم شد و در جنگ تحمیلی دچار رکود شد؛ بنابراین برای جبران کمبودهای خود به سمت تسلیحات جایگزین، مانند موشک رفت. تسلیحات موشکی در مقایسه با هواپیماهای جنگی و دیگر ادوات نظامی، به فناوری بسیار بالا نیاز ندارد و هزینه تولید و توسعه آن‌ها نیز کمتر است؛ همچنین تولید موشک‌ها برای کشورهایی چون ایران که در دستیابی به فناوری‌های پیشرفته با محدودیت‌هایی مواجه هستند، به دلیل نیاز به زیرساخت‌های کمتر، آسان‌تر است. ایران با سرمایه‌گذاری بر روی ظرفیت‌های صنایع داخلی و واردات فناوری‌های تسلیحاتی از شوروی سابق، چین و کره شمالی موفق شد با وجود دسترسی اندک به فناوری غرب در راه رسیدن به اهداف دفاعی خود، گام‌های بلندی بردارد (قوام ملکی، ۱۳۹۰: ۱۰۶-۱۰۵).

### 1. Ballistic Policy

۲. افغانستان، ارمنستان، بحرین، بلاروس، چین، مصر، فرانسه، گرجستان، یونان، هند، ایران، عراق، رژیم صهیونیستی، قزاقستان، لیبی، کره شمالی، پاکستان، رومانی، روسیه، عربستان، اسلواکی، کره جنوبی، سوریه، تایوان، ترکیه، ترکمنستان، امارات عربی متحده، انگلیس، آمریکا، ویتنام و یمن.

این گزاره کلیدی و راهبردی و یا تمثیل توان موشکی به مثابه ستون فقرات برای راهبرد بازدارندگی ایران، پیش از آنکه ما را به سمت بررسی ابعاد قدرت موشکی ایران سوق دهد، به کنکاش در چرایی اتخاذ چنین رویکردی ترغیب می‌سازد. در دوران جنگ تحمیلی فقدان یک سلاح راهبردی تعیین‌کننده به گونه‌ای که امکان پاسخ متقابل به حملات متواتر رژیم صدام را فراهم سازد از یکسو و حملات موشکی صدام به مناطق مسکونی و غیرنظامی که جنگ شهرها نامیده می‌شد و ناشی از ضعف ایران در برخورداری از سیستم‌های پیشرفته دفاع هوایی و سامانه‌های دفاع موشکی و ضد موشکی بود از سوی دیگر سبب شد که سیاست‌سازان دفاعی کشور متقاعد و بلکه ناچار گردند در پی دستیابی به سامانه‌های موشکی و ضد موشکی بازدارنده باشند (Chubin, 1994: 22-23)؛ بنابراین در طول سال‌های پس از جنگ و علی‌الخصوص در دو دهه اخیر، دستیابی به فناوری‌های مرتبط با انواع موشک‌های پیشرفته، کانون محوری تلاش ایران در جهت افزایش قدرت دفاعی و حفظ موازنه قدرت منطقه‌ای بوده است.

در این راستا سرمایه‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در زمینه موشک نه تنها در راستای حل مشکل راهبردی ایران بلکه توسعه و تولید موشک شیوه مقرون به صرفه برای غلبه بر عدم توازن منطقه‌ای و همچنین غلبه بر نیروی هوایی قوی‌تر کشورهای منطقه بود؛ همچنین ایران از طریق موشک می‌توانست مشکل عدم دسترسی به قطعات یدکی تسلیحات نظامی را جبران کند (پوراخوندی، ۱۳۹۲: ۱۷۳-۱۷۲).



نمودار شماره ۱: رویدادهای پرتاب موشکی ایران (Source: Cordesman, 2017: 16)



به عقیده اوزی رابین<sup>۱</sup> هیچ فناوری نظامی و موشکی به اندازه موشک‌های بالستیک، ایران را در رسیدن به دو هدف مهم؛ یعنی نمایش تسلیحات جنگی و نظامی برای بازداشتن دشمنان از احتمال حمله و القای اندیشه خودکفایی در افکار عمومی مردم کشور کمک نمی‌کند (Rubin, 2006: 64)؛ همچنین محیط امنیتی ایران دارای خصوصیتی است که می‌توان دلیل توجه سیاست دفاعی این کشور به اقتدار موشکی بالستیک را ناشی از درک همین ویژگی‌ها و به عبارتی تهدیدات دانست. دو عامل تکثیر سلاح‌های هسته‌ای و موشک‌های بالستیک در کشورهای هم‌جوار (مصر، رژیم صهیونیستی، سوریه، رژیم بعث عراق، عربستان، امارات و ...) مهم‌ترین عواملی هستند که ایران را به سمت دستیابی به موشک‌های بالستیک سوق می‌دهند (طارمی، ۱۳۸۲: ۴-۶۳)؛ این عوامل روی هم رفته منجر به شکل‌گیری یک توانمندی بومی موشکی در جمهوری اسلامی ایران با قابلیت‌های خاص خود شده است. مک آینیس در گزارش مفصل خود پیرامون برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران، با عنوان «آینده سیاست امنیتی ایران»<sup>۲</sup> معتقد است:

به‌استثنای کره شمالی (آن‌هم احتمالاً)، هیچ قدرت متوسط دیگری در دنیا به اندازه ایران روی تعمیق بومی‌سازی محصولات نظامی خود متمرکز نیست؛ این نوع از بومی‌سازی بدون در اختیار داشتن منابع قدرت‌های جهانی نظیر آمریکا، چین و روسیه، کاری تقریباً غیرممکن است؛ با این وجود ایران بر اساس یک تمایل ایدئولوژیک به استقلال از نفوذ خارجی رو به سوی خودکفایی نظامی آورده است (MacInnis, 2017:125).

به طور کلی مهم‌ترین دلایل اهمیت راهبردی موشک در سیاست دفاعی ایران را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود: (۱) تجربه ایران در جنگ تحمیلی و درک اختلافات بزرگ بین قابلیت‌های موشکی ایران و رژیم بعث عراق؛ (۲) حضور گسترده آمریکا در منطقه و دشمنی آشکار با ایران، تغییر معنای امنیت و مورد تهدید واقع شدن محیط امنیتی غرب آسیا؛ (۳) تأکید دکترین دفاعی ایران به بازدارندگی و جنگ نامتقارن<sup>۳</sup> برای دفاع از تمامیت سرزمینی و استقلال

1. Uzi Rubin

2. The Future of Iran's Security Policy (Inside Tehran's Strategic Thinking)

3. Asymmetric Warfare

سیاسی؛ ۴) تجهیز کشورهای منطقه به تسلیحات موشکی و سلاح‌های کشتارجمعی و سرمایه‌گذاری‌های عظیم در این حوزه؛ ۵) برتری توان نظامی دو دشمن اصلی ایران (آمریکا و رژیم صهیونیستی) در عرصه نیروی هوایی و موشکی؛ ۶) ویژگی اساساً بازدارنده موشک‌ها، با توجه به صرف هزینه کم و همچنین زمان کوتاه در دست‌یابی به آن؛ ۷) تأمین امنیت ملی بهتر توسط برخورداری از توانمندی‌های خاص موشکی (مثل برد، دقت، سرعت، نقطه زنی و قدرت تخریب) (ارغوانی پیرسلامی و پیرانخو، ۱۳۹۶: ۶۸).

#### موشک در اسناد بالادستی و کلان

تاکنون قانونی که به صورت خاص به موضوع برنامه موشکی ایران پرداخته باشد، مورد تصویب قرار نگرفته است و استنادات به پیشبرد برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران غالباً از مسیر اسناد بالادستی نظام می‌گذرد. در نظام جمهوری اسلامی ایران، اسناد متنوعی در خصوص مقوله دفاع اعم از قوانین خاص مربوط به نیروهای مسلح تا قانون اساسی، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، سیاست‌های کلی ابلاغی و سیاست‌ها و قوانین برنامه‌های پنج‌ساله در مقولات و موضوعات دفاعی وجود دارد (قیصری و خضری، ۱۳۹۵: ۶۱-۶۰).

در قانون اساسی که منشور میثاق ملی و بازتاب انقلاب اسلامی است، برخی اصول و بندها ناظر به حوزه دفاعی بوده و مشی کلی این عرصه را ترسیم می‌نماید؛ بندهای ۱۱ و ۱۳ اصل سوم و نیز اصول ۱۴۳ و ۱۵۱ قانون اساسی از آن جمله‌اند. سند چشم‌انداز ۲۰ ساله یکی دیگر از اسناد کلان جمهوری اسلامی ایران است؛ این سند، نخستین سند توسعه بلندمدت ایران است که با هدف‌گذاری بلندمدت به ترسیم دورنمایی از توسعه کشور می‌پردازد؛ در بند سوم سند چشم‌انداز تصریح شده است که جامعه ایرانی در ۱۴۰۴ بایستی «جامعه‌ای امن، مستقل، مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت» باشد (سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، ۱۳۸۲) که یکی از جلوه‌های اساسی آن می‌تواند اتکای بر برنامه موشکی باشد.

دیگر سند موجود در زمینه برنامه موشکی، برنامه ششم توسعه است؛ بند ب ماده ۱۰۶ این سند تصریح می‌کند که "دولت موظف است پشتیبانی‌های لازم را به منظور افزایش توان دفاعی

کشور در تراز قدرت منطقه‌ای و تأمین منافع و امنیت ملی، با انجام اقدامات اساسی زیر به عمل آورد: تحکیم و تقویت بنیه دفاعی کشور با پشتیبانی از توسعه و افزایش توان تولیدی موشکی؛ توسعه و تقویت توان پدافند هوایی در سطوح مختلف برد کوتاه، متوسط و بلند و ... (روزنامه رسمی، شماره ۲۰۹۹۵، ۲۱/۰۱/۱۳۹۶).

به نظر می‌رسد مهم‌ترین بند سیاستی ناظر به اهمیت و جایگاه توان موشکی را باید در متن سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه که توسط مقام معظم رهبری به رئیس‌جمهور ابلاغ گردید، جستجو کرد؛ در بند ۵۳ این سیاست‌ها، ارتقا توان بازدارندگی کشور از سه طریق مورد اشاره قرار گرفته است که نخستین آن، "توسعه توان موشکی و فناوری‌ها و ظرفیت تولید سلاح‌ها و تجهیزات عمده دفاعی برترساز با توان بازدارندگی و متناسب با انواع تهدیدات" است (پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، ۱۰ تیر ۱۳۹۴)؛ اگرچه بند چهار قسمت ب ماده ۱۹۵ قانون برنامه چهارم توسعه بر توسعه کمی و کیفی و پایداری عملیاتی یگان‌های موشکی تأکید کرده است؛ اما به نظر می‌رسد برای نخستین بار است که توسعه توان موشکی در زمره یکی از سیاست‌های کلی دفاعی و امنیتی کشور عنوان شده است (قیصری و خضری، ۱۳۹۵: ۶۷).

#### یافته‌های تحقیق

\* ج.۱. ایران با توجه به موانع و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی و امتیازات و ویژگی‌های موشک بالستیک، توانمندی بومی موشکی - شامل طراحی، ساخت و پرتاب انواع موشک‌های کوتاه‌برد، میان‌برد و دوربرد- را برای ایجاد موازنه و جلوگیری از شکل‌گیری هژمون منطقه‌ای به عنوان ستون فقرات سیاست دفاعی خود قرار داده است.

\* هزینه پایین، تأثیرگذاری بالا در موازنه قدرت، توانمندی عملیاتی بالا، هزینه پدافند سرسام‌آور و... موجب می‌شود موشک‌ها همچنان به عنوان یک گزینه کلیدی در معادلات نظامی، به‌ویژه در منطقه غرب آسیا مورد توجه قرار گیرد.

\* با توجه به موقعیت سرزمینی ایران در محیط امنیتی غرب آسیا، داشتن موشک شاید مهم‌ترین ابزار راهبردی در جنگ‌های منطقه‌ای باشد که کارایی و اثربخشی جمعی خود را در جنگ‌ها و تحولات دهه‌های اخیر منطقه، به وضوح نشان داده است.

\* موازنه قدرت در منطقه‌ای همچون غرب آسیا، به معنای خاص کلمه یک «نهاد» است که باید به عنوان یک روند مستمر و نه فقط یک واکنش خاص به یک وضعیت نگریسته شود.

\* مؤلفه‌های متعددی در ژئوپلیتیک غرب آسیا در حوزه موشکی وجود دارد؛ یکی از جدیدترین مؤلفه‌ها احتمال انتقال قدرت موشک به بازیگران غیردولتی است. حشد الشعبی در رژیم بعث عراق، حزب الله در لبنان، حوثی‌ها در یمن و حماس در فلسطین چند نمونه از تغییر ماهیت قدرت در این منطقه هستند.

### نتیجه‌گیری

معادلات دفاعی و امنیتی در غرب آسیا بسیار پیچیده هستند و موضوع موشک نیز مؤلفه‌ای تأثیرگذار بر این پیچیدگی است؛ همین مهم موجب می‌گردد تا هیچ نظریه‌ای نتواند به طور کامل موضوع را تبیین نماید. نظریه موازنه قدرت کنت والتز - به‌رغم کاستی‌ها و انتقاداتی که با خود به همراه دارد - از قابلیت خوبی برای تبیین سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا، به‌ویژه موضوع توانمندی موشکی این کشور به عنوان مهم‌ترین ابزار ایجاد موازنه، نسبت به دیگر نظریه‌های روابط بین‌الملل برخوردار است.

بر اساس نظریه والتز، موضوع توازن قدرت از این جهت اهمیت دارد که قادر به کنترل منازعات و بحران‌های منطقه‌ای است؛ اگرچه وی به سرشت انسان و دولت در شکل‌گیری جنگ و صلح نیز توجه دارد؛ اما محور اصلی چنین فرایندی را ناشی از چگونگی موازنه و توازن قدرت بین بازیگرانی می‌داند که در محیط منطقه‌ای یا بین‌المللی به رقابت می‌پردازند؛ در این راستا جمهوری اسلامی ایران با توجه به موانع و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی و امتیازات و ویژگی‌های موشک بالستیک، توانمندی بومی موشکی - شامل طراحی، ساخت و پرتاب انواع موشک‌های کوتاه‌برد، میان‌برد و دوربرد - را برای ایجاد موازنه و جلوگیری از شکل‌گیری هژمون منطقه‌ای به عنوان ستون فقرات سیاست دفاعی خود قرار داده است.

سیاست نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه بر مبنای یک راهبرد بازدارندگی فعال تعریف شده است؛ این بازدارندگی اصولاً بر اساس مؤلفه دفاع و اقدام متقابل صورت

خواهد پذیرفت؛ این مهم بدان معنا نیست که در برخی از موارد نقش تهاجمی برای موشک در نظر گرفته نشود؛ بنابراین می‌توان گفت هدف اصلی ج.ا.ایران از سرمایه‌گذاری در صنعت موشکی، ایجاد یک بازدارندگی مشروع و منطقی از طریق ایجاد موازنه قدرت بین بازیگران اصلی و تأثیرگذار در منطقه غرب آسیا است. صنعتی که امروزه به ادعان بسیاری از کارشناسان و تحلیل‌گران بین‌المللی نه تنها در سطح منطقه بلکه در سطح جهانی نیز کم‌نظیر است.

#### یادداشت‌ها

(۱) موشک‌های بالستیک طیفی از موشک‌های کوتاه‌برد (تا حدود ۱۲۰۰ کیلومتر)، برد متوسط (از ۱۲۰۰ تا ۲۸۰۰ کیلومتر)، میان‌برد (از ۲۸۰۰ تا ۵۵۰۰ کیلومتر) و دوربرد یا قاره‌پیما (بیش از ۵۵۰۰ کیلومتر) را شامل می‌شود؛ هر چه برد یک موشک افزایش یابد، تنظیم و حفظ دقت مسیر آن‌ها دشوارتر می‌شود و به فناوری‌های پیشرفته‌تری نیاز دارد؛ بنابراین از عوامل مهم دیگر در توانمندی موشکی علاوه بر افزایش برد، تقویت دقت هدف‌گیری آن‌هاست تا اهداف نقطه‌ای مورد حمله قرار گیرند؛ در این صورت توانایی‌های تاکتیکی موشکی افزایش می‌یابد.

#### منابع

##### فارسی

۱. ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و سحر پیرانخو (۱۳۹۶)، تحول فناوری موشکی و راهبرد دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد، سال بیست و ششم، شماره ۸۳، صص ۷۴-۵۱.
۲. اسپیر، ریچارد اچ. و دیگران (۱۳۹۶)، منع اشاعه موشک‌های مافوق صوت، ممانعت از گسترش کلاس جدیدی از تسلیحات، ترجمه گروه مترجمان خبرگزاری فارس، تهران: خبرگزاری فارس.
۳. امینیان، بهادر و شفق ضمیری جیرسرایی (۱۳۹۵)، تأثیر رژیم کنترل تکنولوژی موشکی بر امنیت ملی و توان بازدارندگی ج.ا.ایران، فصلنامه آفاق امنیت، سال نهم، شماره سی و دوم، صص ۶۱-۶۶.
۴. بالدوین، دیوید (۱۳۸۰)، بررسی امنیت و پایان جنگ سرد، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
۵. بروکز، استفن جی. و ویلیام ولفورث (۱۳۹۲)، جهان نامتوازن: روابط بین‌الملل و چالش استیلاجویی آمریکا، ترجمه سید احمد فاطمی نژاد، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۶. پوراخوندی، نادر (۱۳۹۲)، راهبرد توسعه موشکی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه دفاع مقدس، سال دوم، شماره ۸، صص ۱۸۷-۱۶۹.

۷. پیشگامی فرد، زهرا و مرتضی فراهانی (۱۳۹۲)، رتبه‌بندی قدرت ملی کشورهای خاورمیانه با استفاده از روش تصمیم‌گیری چندشاخصه، مجله سیاست دفاعی، سال بیست‌ویکم، شماره ۸۲، صص ۴۴-۱.
۸. جوکار، محمدصادق و سیدمهدی مدنی (۱۳۸۹)، جایگاه سلاح هسته‌ای در راهبرد نظامی امنیتی عربستان سعودی، مجله سیاست دفاعی، سال نوزدهم، شماره ۷۳، صص ۱۷۰-۱۴۹.
۹. جونز، والتر، اس (۱۳۷۳)، منطق روابط بین‌الملل، ترجمه داوود حیدری، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۱۰. چگنی زاده، غلامعلی (۱۳۹۲)، موازنه قوا و روابط راهبردی چین با آمریکا، فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره چهارم، صص ۲۶۳-۲۲۷.
۱۱. خادم حسینی، احمد (۱۳۸۶)، موشک‌های بالستیک، فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال سوم، شماره ۸-۹، صص ۱۰۵-۱۱۳.
۱۲. خواجه پور، جواد (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر توان موشکی در امنیت و قدرت دفاعی ج.ا.ایران، یادداشت سیاسی، پایگاه خبری تحلیلی ۵۹۸، ۱۳۹۷/۱۱/۲۰، بازیابی شده از:  
<http://www.598.ir/fa/news/389865>
۱۳. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۱)، نواقعی‌گرایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و ششم، شماره ۱، صص ۵۴-۳۱.
۱۴. دهقانی، غلامحسین (۱۳۸۸)، رژیم‌های چندجانبه کنترل صادرات و امنیت ملی کشورهای در حال توسعه (تأملی بر وضعیت ج.ا.ایران)، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۵. ساعد، نادر (۱۳۸۶)، تحلیل هنجارین رژیم کنترل فناوری موشکی و الزامات دفاعی جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست دفاعی، سال پانزدهم، شماره ۵۹، صص ۴۳-۶۸.
۱۶. شهبازی، مریم و فخرالدین سلطانی (۱۳۹۶)، تأثیر رژیم کنترل تسلیحات هسته‌ای و خلع سلاح بر امنیت ملی و توان بازدارندگی (مطالعه موردی ایران)، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۱۱، صص ۳۴۱-۳۶۰.
۱۷. طارمی، کامران (۱۳۸۲)، تحلیلی بر نقش موشک‌های بالستیک در دکترین دفاعی ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۹، صص ۱۹۴-۱۷۹.
۱۸. عراقی، عبدالله (۱۳۹۴)، نقش حزب‌الله لبنان در امنیت منطقه غرب آسیا (خاورمیانه): با تأکید بر حمایت و پشتیبانی ج.ا.ایران، مجله سیاست دفاعی، سال بیست و چهارم، شماره ۹۳، صص ۱۴۲-۱۰۱.
۱۹. علی بابایی، مجتبی (۱۳۷۰)، موازنه قوا در روابط بین‌الملل، چاپ اول، تهران: نشر همرا.
۲۰. کرمی، جهانگیر (۱۳۷۵)، جنگ‌افزارهای مدرن و منازعات منطقه‌ای: پیامدهای استراتژیک موشک بالستیک برای خاورمیانه، فصلنامه راهبرد، شماره ۱۲، صص ۵۸-۳۷.
۲۱. کرمی، جهانگیر (۱۳۸۰)، تأثیر محیط امنیتی منطقه‌ای بر سیاست دفاعی دولت‌ها، مجله سیاست دفاعی، شماره ۲۴، صص ۷۲-۴۷.

۲۲. کوپچان، چارلز (۱۳۸۲)، هژمونی توخالی یا نظام چندقطبی باثبات، ترجمه عظیم فضلی پور، در تنها ایرقدرت، تهران: مؤسسه ابرار معاصر.
۲۳. گری، کالین (۱۳۷۸)، سلاح جنگ‌افروز نیست، ترجمه احمد علیخانی، تهران: دوره عالی جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۲۴. قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶)، روزنامه رسمی، شماره ۲۰۹۹۵، ۱۳۹۷/۱۰/۲۱. بازیابی شده از: <http://www.president.ir/fa/87876>
۲۵. قوام ملکی، حمیدرضا (۱۳۹۰)، نقش موشک‌ها در راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه رهنما سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره سوم، صص ۹۷-۱۱۷.
۲۶. قیصری، نوراله و احسان خضری (۱۳۹۵)، سیاست دفاعی نظام جمهوری اسلامی ایران: بررسی اسناد کلان.
۲۷. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، تحول در نظریات روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
۲۸. مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۰)، تحلیل سیاست موازنه قدرت ایران در رهیافت رئالیستی و نئورئالیستی، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، پاییز، دوره اول، شماره ۱، صص ۱۵۸-۱۳۱.
۲۹. میرشایمر، جان (۱۳۸۹)، تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ، ترجمه غلامعلی چگنی زاده، چاپ دوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۳۰. میرشایمر، جان (۱۳۸۹)، راهبردهایی برای بقا، در دیدگاه‌هایی درباره سیاست جهان، ریچارد لیتل و مایکل اسمیت، ترجمه علیرضا طیب، چاپ نخست، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۱. نصیری، مجتبی (۱۳۹۲)، مناسبات امنیتی روسیه و تأثیر آن بر امنیت دفاعی ج.ا.ایران، تهران: دانشگاه تهران.
۳۲. واعظی، محمود (۱۳۹۲)، چالش‌ها و رویکردهای امنیتی ایران در محیط پیرامون، چاپ اول، تهران: معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک.

#### انگلیسی

33. Baldwin, David (1993). *Neorealism & Neoliberalism: The Contemporary Debate*, New York: Columbia University Press.
34. Chubin, Shahram (1994). "Iran's Strategic Aims and Constraints", in Patrick Clawson (ed), *Iran's Strategic Intentions and Capabilities*, Washington, DC: National Defense University.
35. Cordesman, Anthony H. (2014). "Iran's Rocket and Missile Forces and Strategic Options", Center for strategic & International Studies.
36. Cordesman, Anthony, H. (2015). "Iran's Enduring Missile Threat: the Impact of Nuclear and Precision Guided Warheads", Center for Strategic & International Studies, Retrieved from <https://www.csis.org>.
37. Cordesman, Anthony H. & Abraham R. Wagner (1990). "The Lessons of Modern War", Vol. 2, *The Iran-Iraq War*. Boulder, CO: Westview.

38. Cordesman, Anthony, H. (2017). "Testing the limits: Iran's Ballistic Missile Program, Sanctions, and the IRGC", the House Foreign Affairs Committee, May 30, 2017. Retrieved from: <https://www.washingtoninstitute.org>.
39. Deep, Alex (2018). "Balance of Power, Balance of Resolve: How Iran is competing with the U.S. in the Middle East", Modern War Institute. Retrieved from: <https://mwi.usma.edu>.
40. Erasto, Tytti (2017). "Time for Europe to put Iran's missile programme in context", Sipri, 20/11/2018. Available at: <https://www.sipri.org>.
41. Harvay, John, R. (1992). "Regional Ballistic Missile and Advanced Strike Air Craft: Comparing Military Effectiveness", international Security, Vol. 2, No. 2, pp. 41-83.
42. Elleman, Michale (2010). "Iran's Ballistic Missile Program", International Institute for Strategic Studies, 21/11/2018 Retrieved from <https://www.iiss.org>.
43. Hashim, Ahmed (1994). "Iran's Military Situation" in Patrick Clawson, Iran's Strategic Intentions and Capabilities, Washington: National Defense University.
44. Hildreth, Steven A. (2012). "Iran's Ballistic Missile and Space Launch Programs", Congressional Research Service, 05/02/2018 Retrieved from [www.crs.gov](http://www.crs.gov).
45. Hynek, Nik (2010). "Missile Defence Discourses and Practices in Relevant Modalities of 21st-Century Deterrence", Security Dialogue, Vol. 41, No. 4, pp. 435-459.
46. Karp, Aaron (1995). "Ballistic Missile in the Middle East", Contemporary Security Policy, 16, No. 1, pp. 106-122.
47. Kegley, Charles W. and Eugene R. Wittkopf (2005). World Politics: Trends and Transformation, published by Wadsworth Publishing, p. 503.
48. Keohane, Robert (1989). "International Institutions and state power", Essays in International Relations Theory, Boulder, Colo: Westview Press.
49. Kubbig, Bernd W. & Sven, E. Fikenscher (2013). Arms Control and Missile Proliferation in the Middle East, Routledge.
50. McInnis, J. Matthew (2017). "The future of Iran's security policy (Inside Tehran's Strategic Thinking)", American Enterprise Institute, 10/02/2018. Retrieved from <http://www.aei.org>.
51. Taremi, Kamran (2005). Beyond the Axis of Evil: Ballistic Missiles in Iran's Military Thinking, Security Dialogue, vol. 36, no. 1, pp. 93-108.
52. Robertson, D. (1987). A Dictionary of Modern Defence and Strategy, London: E.P.L.
53. Roskin, Michael G. and Nicholas O. Berry (1992). IR: the New World of International Relations, Prentice Hall College Div, 2nd Rev Edition.
54. Rubin, Uzi (2006). "The Global Range of Ballistic Missile Program", Jerusalem Center for Public Affairs, Vol.5, No.26. pp. 62-67. Retrieved from <https://www.armscontrol.org>
55. Vinci, Anthony (2009). Armed Group and the Balance of Power, Routledge, London and New York.
56. Waltz, Kenneth (2000). "Structural Realism after Cold War", international security, Vol.25, No.1, p.5-41.
57. Waltz, Kenneth (1979). Theory of International Politics, New York: Mcg Raw.





